

خانواده در اسلام





اسلام تشکیل خانواده را نشانه وجود خدای داد.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

¹بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقُرُونَ

و از جمله نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است بر این که تدبیر امور انسان ها در اختیار خداوند است.

توضیح:

اگر خدا همه انسان ها را مرد می آفرید یا همه رو زن می

آفرید، بشر دچار مشکل بزرگ تنهایی می شد.

روم 21¹

همچنین از جنس خود انسان برای او همسر خلق کرد یعنی اگر از جنس جن مثلاً همسر برای انسان خلق می کرد باز بشر دچار مشکل بزرگی می شد.

نکته دیگری که در ایه فرموده این است که تشکیل خانواده و ازدواج باعث آرامش زن و شوهر می شود.

و این عملاً برای همه زن و شوهرها ثابت شده که بعد از ازدواج آرامش خاصی به انسان دست می دهد و و از اشفتگی روحی و ناامیدی و .. نجات پیدا می کند.

بر عکس، استرس، گوشه گیری، اضطراب، انزوا طلبی، افسردگی، احساس بی ارزشی، عدم تعادل شخصیتی، روی آوردن به مشکلات جنسی و روابط نامشروع از عوامل عدم ازدواج است.

اگر سوال شود پس چرا بعضی از ازدواج ها بجای آرامش باعث نا آرامی روحی می شود؟

جواب می دهیم ازدواجی باعث آرامش است که درست انجام شود. و براساس معیارهای اسلامی مانند تقوا و ایمان خوش اخلاقی همسر صورت بگیرد ولی اگر معیارها، مادی و ظاهری شد مانند زیبایی و ثروت و قدرت و غیره و براین اساس ازدواج صورت گرفت باید منتظر متلاشی شدن این کانون خانواده بود.

اسلام الگوی ازدواج درست را به ما نشان داده است: ازدواج علی علیه السلام با فاطمه س.

با اینکه قبل از خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه س، خواستگارهای پولدار برای فاطمه سلام الله علیها آمدند ولی رو برگرداند و قبول نکرد ولی وقتی علی علیه السلام آمد فاطمه رو برگرداند و جوابش مثبت بود. پیامبر ص از علی پرسید برا ازدواج چی داری؟ عرض کرد یک زره! پیامبر ص ان را فروخت و شد پانصد درهم. و با ان اسباب ازدواج این دو نور الهی آماده شد.

و کانون خانواده علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها مستحکم ترین و مبارک ترین کانون خانواده در طول تاریخ بشریت است.

نکته دیگری که از ایه میتوان فهمید این است که با ازدواج، خدا بین زن و شوهر مودت و محبت و عشق قرار می دهد.

زن و شوهری که قبل از ازدواج اگر از کنار هم رد می شدند هیچ احساسی بهم نداشتند وقتی باهم ازدواج می کنند گاهی انچنان عاشق هم می شوند که دوری از هم را نمی توانند به هیچ وجه تحمل کنند.

نکته اخر اینکه با تامل و تدبر در ازدواج انسان ها می تواند خدا را شناخت و ایمان را افزایش داد.

اسلام زن و شوهر را لباس هم می داند

187/2 (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ) (بقره، 187/2)

آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید

یعنی همانطور که لباس عیبهای انسان را می پوشاند و باعث

زیبایی انسان می شود زن و شوهر نسبت بهم باید اینگونه

باشند نه اینکه عیبهای هم را فاش کنند و باعث زشتی هم

شوند!

اسلام مرد را سرپرست خانواده می داند:

الرجال قوامون على النساء

یعنی مردها سرپرست خانم ها هستند.

توضیح:

چون عقلانیت مرد بر عواطفش غلبه دارد ولی در زن

عواطف بر عقلانیت غلبه دارد لذا مرد باید کشتیان خانواده

باشد تا بتواند ان را صحیح و سالم به مقصد برساند.

اما این به معنای این نیست که زن کلفت و نوکر مرد

هست! خیر زن فقط باید نیازهای جنسی شوهر را تامین کند

ولی در مورد کارهای خانه وظیفه ای ندارد و حتی می تواند

در مقابل کارهای خانه از شوهر مزد دریافت کند!

لذا در زندگی بزرگان دین مشاهده می شود که به

همسرانشان دستور نمی دادند که برای انها کاری انجام

دهند.

در زندگی امام آمده است:

امام هیچ وقت دستور انجام کاری را به همسرشان نمی دادند. خانم می گویند: امام وقتی یک دکمه پیراهنشان می افتاد، نمی گفتند خودت بدوز بلکه می گفتند بگویید بدوزند. یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود، نمی گفتند چرا ندوختید، می گفتند: کسی نبود بدوزد

در خاطره ای از همسر امام (ره) نقل شده است: امام (ره) طی این سال های طولانی زندگی مشترک، هرگز از من نخواستند یک فنجان چای به ایشان بدهم. آقا چای را خودشان آماده می کردند و به محض نوشیدن چای فنجان شان را می شستند

به کسی دستور نمی دادند: در نجف گاهی اتفاق می افتاد که امام (ره) روی پشت بام متوجه می شدند که چراغ آشپزخانه یا دستشویی روشن مانده؛ به خانم و دیگران که طبقه

بالا بودند دستور نمی دادند که
بروند چراغ را خاموش کنند

خود راه می افتادند و سه طبقه را
در تاریکی پایین می آمدند و چراغ
را خاموش می کردند و باز می
گشتند.

در زندگی بزرگان دیگر مانند علامه
طباطبایی و شهید مطهری و دیگران
نیز این چنین بوده است.

در زندگی شخص اول عالم بشریت، حضرت
مُحَمَّد ص روایت شده :

پیامبر خداصل الله علیه واله در خانه
کفش ولباس خود را وصله می کرد ،در
را می گشود، شیر گوسفند و شتر را می
دوشید ،همراه خادم خانه گندم آرد
می کرد و اگر خدمت کار خسته می شد
به او کمک می کرد و وسائل وضوی
خویش را خود بر می داشت و می گذاشت
..و..

نکته دیگر اینکه مرد که سرپرست خانه است، مسئولیت سعادت خانواده را به عهده دارد.

او باید خانواده را دین دار بار بیاورد. نمازخوان تربیت کند. پاک و پاکدامن و عفیف بزرگ شوند.

قران خوان باشند. با ادب بار بیایند.

که فرمود: و امر اهلک بالصلوه و اضطبر علیها

فرزندان را در مسیر خوب هدایت کند.

سید احمد گفت وقتی دیپلم گرفتم امام مرا خواست و گفت اگر طلبه شوی باز ازت حمایت می کنم ولی اگر طلبه نمی شوی دیگر نمی توان به شما کمک کنم! و سید احمد روحانی شد.

پدر نباید فرزند را ازاد بگذارد که در هر مسیری خواست حرکت کند!

باید شبانه روز از او مراقبت کند تا انشالله فرزند هم به سعادت برسد.

هرکدام از افرادی که به درجات بالای خوبی رسیدند معمولاً بر اثر زحمات پدر و مادر بوده است. مگر در بعضی از افرادی که یتیم بودند ولی با عنایت الهی و تلاشهای خودشان اوج گرفتند.

نکته دیگر اینکه مرد سرپرست است باید خانواده خود را تامین نماید.

نباید آنها را بدون خرجی رها کند کما اینکه تعدادی از زنها می گویند شوهران ما ما را رها کرده و اصلاً معلوم نیست کجا هستند.

همچنین مرد باید از جهت جنسی نیز همسر خود را تامین کند.

که مواردی بوده است که مرد در این امر بی توجهی کرده است و باعث شده زن ارتباطات نامشروع برقرار کند.

مرد باید بر خانواده خود نظارت کند. و نمی تواند زن خود را آزاد بگذارد که هرجایی خواست برود و هرکاری خواست بکند.

«به امام کاظم(ع) گفته شد: مردی به زنی می گوید که اختیار تو باخودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.»

نکته دیگر اینکه مرد باید درامد حلال به منزل بیاورد و اگر از درآمد حرام مانند رشوه و دزدی و غیره استفاده کند، باعث انحراف خانواده اش می شود که او مسئول این انحراف است.

امام حسین ع علت اینکه لشکر عمر سعد به سخنان ان حضرت اهمیت نمی دادند را در اینکه شکم های آنها از حرام پر شده می دانستند.

اری کسی که شکمش از حرام پرشود گوش به تذکرات پسر پیامبر نمی دهد حتی حاضر است سر امام زمان خود را قطع کند.

و در روایت است که گاهی اثار لقمه حرام تا چند نسل بعد باقی می ماند.

و در روایت است که اگر لقمه حرام در شکم آدمی باشد دعای انسان مستجاب نمی شود.

مرد باید در ازدواج فرزندان را تسریع کند و در اولین فرصت آنها ازدواج کنند.

جبرئیل به پیامبر گفت دختران مانده میوه هستند وقتی رسیدند باید چیده شوند والا خراب میشوند.

مرد باید دخترانش را به افراد نمازخوان و مومن بدهد و برای پسرانش همسران پاک دامن در نظر بگیرد.

در اسلام هیچ بنایی محبوبتر از او پایه ریزی نشده است

قال رسول الله (ص): «ما بنى فى الاسلام بناء أحبّ إلى الله عزّ وجلّ و أعزّ من التّزويج»²

توضیح حدیث مذکور:

خداوند حکیم که خالق انسان است ازدواج زن و شوهر مومن را دوست دارد و مجرد زندگی کردن انسان ها را بد می داند. لذا وقتی دختر و پسر مومنی باهم ازدواج می کنند خدا از آنها راضی می شود و بر آنها برکات خود را نازل می کند. و ثواب نماز و عبادتهای آنها را نسبت به قبل از ازدواجشان، تا هفتاد برابر و بیشتر بالا می برد.

در روایت دیگری آمده است:

پیامبر ص فرمود: هیچ فائده ای بعد از نعمت اسلام برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او همسری داشته

² مکارم الاخلاق، ص 196

باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید، و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد^۳

اری خداوند حکیم دوست دارد بین زن و شوهر محبت و شادی و دوستی و علاقه باشد و از اختلاف و و دشمنی باهم و از طلاق و جدایی بدش می آید.

خداوند خانه ای را که در آن عطر دل انگیز عروس بوزد دوست می دارد، و خانه ای را که در آن سخن غم انگیز طلاق سرداده شود دشمن می دارد

دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند.
:چنانکه امام باقر(علیه السلام) فرموده است

(وسائل الشیعة، ج 14، ص 23)

الرکعتان یصلّیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم»
لیله و یصوم نهاره»

یعنی از نظر اسلام تشکیل خانواده امر مقدسی است که
فضیلت‌های فراوانی نصیب زن و شوهر می کند از جمله :

ثواب نماز چند برابر میشه! و برای اعمال زناشویی ثواب
عبادت می نویسند. و الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله
است

هرگاه پیامبر متوجه می شد جوانی مجرد است می فرمود
همین الان برو ازدواج کن.

اسلام برکت را در ازدواج می داند و گفته اگر زن و شوهر
فقیر باشند خدا آنها را بی نیاز می کند.

زن در سایه ازدواج و جلب رضایت شوهر بهشتی می
شود. جهاد المرء حسن التبعل

خانمی به امام رضاع گفت می خواهم متبتله بشوم! یعنی مجرد زندگی کنم. امام فرمود اگر در مجرد فضیلتی بود فاطمه زهراء س ازدواج نمی کرد!

امام محمدباقر (علیه السلام) فرمودند: خانمی که خانه را گرم کند و مردی که به همسر و فرزندان خود خدمت نماید، ثواب هفت حج و عمره در نامه عمل او نوشته می شود یکساعت نشستن کنار همسر ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر (ص) رو داره

شهید مطهری گفته انسان اگر به درجا بالای علمی هم برسد ولی ازدواج نکند ناقص است

علی علیه السلام می فرماید زن قلاده است بین چه قلاده ای
به گردنت می اندازی

مرد باید نسبت به همسرش به خوبی برخورد کند

وعاشروهن بالمعروف

حضرت ابراهیم (ع) از بداخلاقی ساره به خدا شکایت کرد
خدا فرمود زن مانند دنده، کج است اگر بخواهی راستش
کنی می شکند! ولی اگر با او مدارا کنی میشه ازش بهره مند
بشی

مرد باید به خوبی با همسرش برخورد
کند و برای او در مناسبت ها هدیه
بیاورد و او را به سفر ببرد و
احترام او را همیشه حفظ کند.

زوجین بهم ابراز دوستی و محبت کنند. قول الرجل للمرأة
انی احبک لایذهب من قلبها ابدا⁽⁹⁾

-مرد در امور خانه با زنش همکاری کند که هم فایده
دنیوی و هم اخروی دارد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: اگر مرد به زنش کمک کند
پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او
می دهند. و یکساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی
است.⁽²⁾

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: یا علی: خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ
لِلْكَبَايِرِ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُورُ الْحُورِ الْعِينِ، وَ تَزِيدُ
فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ؛

یا علی: خدمت به خانواده، کفارہ گناهان کبیره و خاموش
کننده خشم خداوند و مهریه حورالعین و زیاد کننده
حسنات و درجات است.

□ جامع احادیث الشیعه (بروجردی) ج 22، ص 306

خوب خرج کردن

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم (ع) فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

و امام رضا (ع) فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشد.⁽³⁾

نکته دیگر در مورد ایه (الرجال قوامون على النساء..) اینکه

نباید خانواده انسان را از خدا دور کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ⁴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان، شما را از یاد
خدا مشغول نکند که هر که این گونه شود ضرر کرده است..

بعضی پدرها برای رفاه خانواده انقدر به دنیا طلبی مشغول می شوند که دیگر
نه نماز اول وقت می خوانند نه نماز جمعه و جماعات می روند. نه به دعا و
عبادت می رسند. فقط پول جمع کردن برای اینکه فرزندان در رفاه
باشند!!!!!! این مسیر اشتباهی است که خدا به ما تذکر داده این راه رو نرویم.

باید درس همه برنامه ها و کارها خدا باشد و هر چیزی که انسان را از خدا
دور کند، باید کنار رود.

اما ایه قرآن درباره چند همسری و تعدد زوجات

(امام خمینی (قدس سرّه)

⁴ منافقون 9

یکی از مشایخ عظام ما [آیت الله شاه آبادی] دام ظلّه، می‌فرمود که در تعدد زوجات، که انسان گمان می‌کند ورود در دنیا و توجه به آن است، وقتی که انسان به آن مبتلا شد، می‌یابد که این یکی از «شاهکارهای بزرگی» است که انسان را در عین ورود در دنیا از دنیا خارج می‌کند و از آن منصرف می‌نماید.

?

شرح چهل حدیث، صفحه 589 (فصل در بیان آنکه حق تعالی با فقر و غنا و [(غیر این‌ها اصلاح حال مؤمنین فرماید

طبق نظر اکثریت قاطع فقهاء شیعه، #تعدد زوجات مستحب است، بلکه در کتب فقهی مخالفی در این زمینه نیست... به عنوان مثال فتوای مرحوم امام و آیت الله العظمی سیستانی را که همان فتوای آیت الله العظمی سید محمدکاظم یزدی رحمه الله است در ادامه می‌آورم

(کتاب النکاح ، مسألة 2

الاستحباب لا یزول بالواحدة، بل التعدّد مستحبّ أيضاً، قال الله تعالى ✓

فأنکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع»، و الظاهر عدم «...اختصاص الاستحباب بالنکاح الدائم أو المنقطع

ترجمه: استحباب نکاح به گرفتن يك زن ساقط نمی‌شود، بلکه #تعدد زوجات مستحب است. و ظاهر آن است که استحباب مختص به نکاح دائم یا منقطع...نیباشد

:آدرس مطلب

العروة الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی رحمه الله ?

(العروة الوثقى) مع تعلیقه آیت الله العظمی سیستانی حفظه الله ﷻ

قرآن کریم زن وشوهر را لباس هم معرفی کرده

است یعنی همانگونه که لباس عیوب را می پوشاند و انسان را از سرما و گرما حفظ می نماید وزینت انسان است زوجین نسبت به هم باید این چنین باشند. لباس عیب را اصلاح می کند ، می پوشاند . اگر همسری عیب داشت ، فکر کنید ، چگونه اصلاح کنید ، آبروریزی نکنید!

البته تلاش برای برطرف کردن عیب بصورت سازنده نه سرزنش ، نه سرکوب ، نه عیبجویی ، نه عیبگویی . طرف خودش میداند این عیب را دارد ، شما هم میدانید . غفلت و سازش ، کار غلطی است . اینجا عیب را بگویید ولی

عیبجویی نکنید و مچ گیری اشتباه است . روایت داریم که عیب جویی خطاست اگر شما عیب برادرت را آشکار کنید خدا عیب تو را هم آشکار میکند

در آموزه های دینی ما تاکید شده خوبی ها را ببینید . حضرت علی (ع) فرمود : طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس . خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از دیدن عیوب دیگران باز میدارد . ما باید بگوییم شما عیب ندارید گل بی خار هستید کدام یک از ما گل بی خار هستیم . قطعاً این طور نیست . خار خودتان را ببینید اگر شما خار خودتان را ببینید خار دیگران را نمی بینید .

در آموزه های دینی ما تاکید شده : شما بدی ها را بپوشانید و خوبی ها را ظاهر کنید . حضرت علی در باب مومن میفرماید : و کتم سرّه و عیبه و أجهر من الحُسن . عییش را بپوشان و حسنش را ظاهر کن

در زندگی بزرگان ما این چنین بوده مثلاً حضرت امام
چقدر با همسرشون خوب بودند که همیشه همسر وارد اطاق
میشدند امام براشون بلند میشدند.

یا شهید مطهری چقدر برا همسر احترام قائل بودند
یکی از دلایل منفی نگرستن و دیدن عیبه‌ها و ندیدن زیبایی
ها، بر می گرده به نوع نگرش ما درباره همسر.

واقعاً همسر کیه؟ زن و شوهر شریک هم هستند یا زن
خدمتکار مرد هست یا مرد کارگری است که باید پول به
خانه بیاورد و همین!

از دیدگاه اسلام، زن به هیچ وجه خدمتکار مرد نیست بلکه
هم تراز مرد هست و حتی می تواند با ایمان بیشتر و عمل
صالح بهتر از مرد جلو بزند.

اگر این دیدگاه بر خانواده حاکم باشد در این صورت مرد به محض خطای زن، او را سرکوب و سرزنش نمی کند بلکه ندیده می گیرد.

خوشا به حال زن و شوهری که اهل عفو و بخشش باشند اینها مورد رضایت خداوند متعال قرار می گیرند.

توصیه اسلام این است که شوهر از خطاهای زن درگذره حتی اگر خطای بزرگی باشد و زن هم از خطاهای شوهر درگذره و ندید بگیره که این صفت اثار مهمی در زندگی می گذارد و باعث جلب رضایت الهی شده و زندگی مستحکم تر می شود.

**گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید
محترمانه باشد**

زن و شوهر باید مراعات یکدیگر را کرده وبا ادبیات
نرم با یکدیگر سخن بگویند و بهم پر خاش نکنند
و حرمت هم را حفظ نمایند.

مردانی که عصبی هستند وزودرنج می باشند از
زندگی لذتی نمی برند وهمسر آنها از او در عذاب
است!

همچنین زنانی که بداخلاق وزبان دراز وعصبی
هستند کاری می کنند که شوهر از منزل
فراری می شود.

اهمیت بخشش خطاهای دیگران چه همسر و چه افراد دیگر

اکثر ما یاد گرفته ایم که با بخشیدن دیگران کار خوبی است.
یاد گرفته ایم که بخشیدن کاری مقدس و معنوی است اما

علت مهمتری نیز برای گذشت وجود دارد. اگر دیگران را نبخشیم زندگی بر ما سخت خواهد بود. فرض کنید که همسر تان کار اشتباهی که شما را عصبانی کرده انجام داده و شما به او می‌گویید: من هرگز شما را به خاطر کارتان نمی‌بخشم.

چه کسی از این موضوع رنج می‌برد، شما یا همسر تان؟ شما دائم راه می‌روید، بی‌خواب می‌شوید و این فکر شما را مشغول می‌کند.

بنابر این وقتی دیگران را نبخشیم در حقیقت این خود ما هستیم که رنج می‌بریم نه دیگران. کینه‌جویی و خصومت ما را بیمار می‌کند. خشم و خصومت به سیستم ایمنی بدن آسیب می‌رساند و موجب به هم خوردن نظم طبیعی ارگان‌های بدن می‌شود و احتمال حمله قلبی، سرطان، سردرد، زخم معده، اضطراب و ... و حتی بیماری قند را افزایش می‌دهد.

همه ما اشتباه و خطا می‌کنیم. باید خطاهای دیگران را ببخشیم و اجازه ندهیم ما را بیازارند. کینه‌توزی فقط ما را غمگین و افسرده می‌کند و حاصل دیگری ندارد. وقتی ما اشتباهی را می‌بخشیم احساس خوشایند به ما دست می‌

دهد. بخشیدن دیگران موجب می شود که ما برخشم و رنجش خود غلبه کنیم و احساس خوشایند به دست آوریم. بخشش برای ما راحتی و آرامش خاطر می آورد. بخشش ما را از تمام دشمنی ها و تنفرهایی که در ذهنمان داریم محافظت می کند و به جای خشم و تندخویی در وجود ما احساس آرامش و آسایش را جایگزین می کند.

انرژی ما با خشم، تنفر و رنجش تحلیل می رود. ما احساس می کنیم افسرده و بدبخت شده ایم و تا زمانی که با این احساسات منفی تحلیل می رویم نمی توانیم روی آرامش خاطر و شادکامی را ببینیم.

وقتی ما کسی را می بخشیم به دلیل آرامش خاطر خودمان است. ما این کار را در حق دشمن خود انجام نمی دهیم بلکه در حق خودمان انجام می دهیم. ما این کار را می کنیم تا خود را از شر احساسات منفی خودمان نجات دهیم.

اغلب بیماری های جسمی به دلیل احساسات و افکار منفی ایجاد می شوند. بخشیدن دیگران بزرگترین مولد انرژی جهان است. بخشش سبب می شود که روح ما کسل نشود و بهایی برای خشم و غضب نپردازیم.

مدارا عامل استحکام خانواده

قفل ایمان چیست؟

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ

امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیزی قفلی است (که آن را نگهدارد) و قفل ایمان نرمی و ملاطفت است. (هر کس نرمی را از دست دهد و خشم و قهر و خشونت پیش گیرد، به اعمالی دست می زند که ایمانش از دست می رود)

اصول کافی- ج2، ص: 118

نقش انصاف در خطاپوشی

کسی که با انصاف است اگر مخاطبش خطایی مرتکب شد ابتدا کارهای خوب او را بیاد می آورد بعد تصمیم می گیرد.

ولی افرادی که بی انصاف هستند در مواقع بروز
خطای مخاطب خود بالکل همه خوبیهای او را
فراموش می کنند و فقط اشتباه او را در نظر می
گیرند. به درد دل مردی که از همسرش می نالد توجه
کنید:

یکی از بی انصافی هایی که سرکار همسر کردند و واقعا دل
منو شکستند این بود که مشاور به من گفتند برای همسر
هدیه بخرید و من گفتم اینکار رو میکنم و بارها کردم
میدونید سرکار همسر چی گفت به مشاور؟
گفتند ایشان فقط تا حالا دو تا شاخه گل خشکیده برای من
بخریدند.

اینو که گفت خیلی دلم شکست. پیش مشاور به سرکار
همسر گفتم بی انصاف حداقل ده تا از اون گل سرخ هایی
که خریدم الان تو تاخچه خونه خشک شده هاش تو گلدان
هست و خودت نگه داشتی. پس چرا میگی دو تا فقط؟ آخه

مشاورم گول بزیم فایده داره؟(وقتی هم تو منزل بهش این
(رو گفتم توجیه کرد که من منظورم چیز دیگه بود

البته یکی از اخلاق های بد ایشان همینکه که اصلا تشکر نمی
کنند و هر وقت خرید هم بکنیم بیاد خونه تشکر که هیچ
نمیکنه کلی ناراحته که چرا کم خریدیم یا فلان چیز رو
...نخریدیم و

حالا این شاخه گل ها رو که برای من دنیایی ارزش داشتند
رو میگفت چون خسیس بودی میخریدی و چرا چیزهای
گران نمیخریدی؟در حالی که دوران نامزدی و اوائل
ازدواج بود و منم وضع خوبی نداشتم و این شاخه گل ها رو
تنوعی بدون مناسبت میخریدم

بماند که تولد ها و سالگرد ازدواج و روز زن و... هم هر
سال چقدر هدیه خریدم اما با بی انصافی به مشاور گفت در
طول زندگی فقط دو تا شاخه گل برام خریده و نه بیشتر

قناع بودن و تاثیر مطلوب این صفت بر آرامش خانواده

یکی از صفاتی که تضمین کننده آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است و فقدان آن آرامش را از زندگی می رباید، قناعت در افراد خانواده است.

. قناعت از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت آمیز و آرامش در زندگی، به حساب می آید.

قناعت به معنای:

رضا دادن به سهم [2](#)خشنودی به آن چه از روزی و معاش قسمت می شود، خویش

در روایتی پیامبر(ص) اکرم، از جبرئیل سؤال کرد: «ما تفسیر القناعه؟ قال یقنع بما یصیب من الدنیا یقنع بالقلیل و یشکر الیسیر» تفسیر قناعت چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: قناعت راضی بودن به همان مقداری است که از دنیا نصیب شخص می‌شود، به کم قانع است و از نعمت کم نیز سپاسگزاری می‌کند

آنچه از مجموعه تعاریف به دست می‌آید این است که فرد قانع در بعد شناختی، معتقد است هر چه از سوی خدا به او برسد، فضل اوست. در بعد عاطفی به همه محدودیت‌ها و مقدرات رضایت می‌دهد و در بعد رفتاری، بر وفق محدودیت‌ها عمل می‌کند و با آن کنار می‌آید. گستره قناعت وسیع است و شامل لباس، مسکن، خوردن، آشامیدن، خواب و... می‌شود.

اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین العابدین(ع) در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: «هو ان یقنع برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد «...بالقوت

در روایتی مراد از حیات طیبه را قناعت گفته اند می‌باشد

در روایتی چنین آمده است

یک روز صبح علی(ع) به فاطمه(س) فرمود: آیا غذایی نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته‌ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران داده‌ایم. پس علی(ع) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی

تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه(س) گفت: ای ابا الحسن، من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی

از این حدیث ارزشمند، به دست می‌آید که کتمان نیازها و بازگو نکردن آن در نزد همسر، به ویژه هنگامی که تأمین آن برای او ممکن نیست، از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود

علاوه بر این، گاهی مناسب است که فرد با درک شریک زندگی خویش، نه تنها از او در خواستی نکند، بلکه سعی کند او را در اوج مشکلات معیشتی به صبر و سفارشی و به توجه به عنایات خداوند متعال و توکل بر او ترغیب کند

مردی به حضور رسول خدا(ص) شرفیاب شد و عرض کرد: همسری دارم هر گاه وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و چون خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند. هر گاه مرا غمگین می‌بیند، می‌گوید: چرا ناراحتی؟ اگر برای روزی خود نگرانی، دیگری (خداوند) عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت خود بیمناکی، خداوند دل **ان لله عمالاً و هذه** «: مشغولی تو را بیشتر سازد. پس رسول خدا(ص) فرمودند به درستی که برای خدا کار **14 من عماله لها نصف اجر الشهيد**؛ گزارانی است و این زن از کارگزاران خدا است که برای او نیمی از پاداش شهید است.

این همسر قانع نه تنها خود با مشکلات کنار آمده است و توقعی از همسر خویش ندارد، بلکه زمینه بروز هر گونه ناراحتی در زمینه معیشت را نیز از همسر خود دور می‌کند

برخی افراد از خود تهی با دیدن وضع زندگی دیگران زود برانگیخته می‌شوند و به چشم و هم چشمی رو می‌آورند.

رسول اکرم(ص) در باره این پیامد فرموده‌اند: «من اتبع بصره ما فی ایدی الناس کثر همه و لم یشف غیظه؛ هر کس چشم به دنبال آنچه در دست مردم است بدوزد، اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد

نقش زن در قناعت خانواده

زن با استفاده از جایگاه ویژه‌ای که از لحاظ احساسات و عواطف در خانواده دارد نیز می‌تواند بر روی الگوی مصرف و نظام اقتصادی خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد.

اگر در خانواده‌ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی توسط مادر خانواده مدیریت نشود اقتصاد خانواده دچار مشکل می‌شود.

یکی از آثار تهاجم فرهنگ غرب و سرمایه داری این است که خانواده ها را به مصرف بیشتر سوق دهند زیرا برخی نظام‌های

سرمایه‌داری برای وابسته کردن اقتصاد کشورهای دیگر به خودشان با واردات بیشتر کالاهای مصرفی به کشورهای پرجمعیت به دنبال وابسته کردن این کشورها به خود هستند لذا از تبلیغات در این زمینه خیلی استفاده می‌کنند و روحیه قناعت را از خانواده‌ها می‌گیرند و آنها را به خرید بیشتر تشویق می‌نمایند لذا کسانی که کم درآمد هستند دچار مشکل می‌شوند و خرجشان به برجشان نمی‌رسد لذا دچار مشکلات روحی و اختلافات خانوادگی می‌شوند.

اسلام با فرهنگ مصرف‌گرایی مخالف است زیرا به اقتصاد کشور اسلامی و به اقتصاد خانواده اسلامی آسیب وارد می‌کند.

در این فرهنگ، با اینکه لوازم خانه سالم هستند ولی انسان را تشویق می‌کنند که آنها را کنار گذاشته و لوازم جدید

بگیرند. و این فقط برای یکبار یا دوبار نیست بلکه هرگاه چیز جدیدی وارد بازار می شود انسان را وسوسه می کند که آن را تهیه کند درحالی که نیازی به آن ندارد.

شخصی می گفت من سالی یکبار همه لوازم خانه را عوض می کنم!

چقدر وسایل سالم مانند یخچال و مبل و امثال آن را با اینکه سالم هستند کنار می گذارند و جدید آنها را تهیه می کنند!

در حالی که در روایت است:

همچنین درمورد کامپیوتر و ماشین و خود ساختمان و موبایل و غیره این روند ادامه پیدا می کند.

در اینجا است که زنان مسلمان باید با پیروی از سفارشات اسلام مبنی بر قناعت و صرفه جویی این تهاجم فرهنگی را خنثی کنند.

امیرالمومنین علی علیه السلام ❀

الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ، الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمَعَ ❀

بنده اگر قناعت کند، «آزاد» است، و بنده آزاد اگر طمع داشته باشد «برده» ❀
!است

غررالحکم: ج 1، ص 113 ■

آثار قناعت در زندگی

مهم‌ترین نتایج ارزشمند قناعت، که در زندگی اجتماعی سایه می‌گسترده، عبارت
:است از

1. آسایش، راحتی و رضایتمندی

هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می‌کند و در زندگی، خود را با در
نظر داشتن امکانات موجود، اداره می‌کند، سختی بسیاری از امور همچون

فعالیت‌های طاقت فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و... را از خود دور می‌سازد. از این رو، رسول خدا(ص) قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «القناعة راحة؛ قناعت راحتی است»

کسانی که به آنچه دارند، راضی‌اند و خود را برای به دست آوردن آنچه ندارند، به زحمت نمی‌اندازند، یا در افسوس نداشتن آن به سر نمی‌برند، زندگی را با روحی آرام و به دور از دغدغه و نگرانی می‌گذرانند. در حدیثی از امیر مؤمنان(ع) آمده «است: «الرضا ينفي الحزن؛ رضایت و قناعت اندوه را از بین می‌برد»

در برخی از روایات، قناعت را گواراترین زندگی به شمار آورده است: «عن علی(ع): القناعة هنا العيش؛ گواراترین زندگی قناعت است»

فرد قانع، از همسر خود راضی، از امکاناتی که در اختیار دارد، راضی و از همه مهم‌تر از خدای خود راضی است. و بر اساس این رضایت، ضمن آنکه از باطنی آرام برخوردار است، اعضا و جوارح خود را نیز برای دسترسی به آنچه ندارد، به زحمت نمی‌اندازد. آیا حیات طیبه چیزی جز این است؟

2- عزت پیدا کردن

عزت و نفوذ ناپذیری اثر ارزشمند قناعت است. فردی که به آنچه دارد، قانع نیست، همواره در صدد است که کمبودهای مادی خود را بر طرف سازد و چون تأمین این نیازها در موارد زیادی مستلزم درخواست از دیگران است و از سوی دیگر، این کمبودها بی انتها می‌باشد، نیل به آنچه که فرد در اختیار ندارد، مستلزم ابراز نیاز مداوم به دیگران است. این همان چیزی است که عزت و نفوذ ناپذیری فرد را به شدت به خطر می‌اندازد. از این رو، در روایات بسیاری قناعت موجب

عزّت دانسته شده است. «عن امیرالمؤمنین(ع): من تجلبب الصبر والقناعة عزّ و در [38](#).» نبل؛ هر کس لباس صبر و قناعت بر تن کند، عزیز و با فضیلت می‌شود روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «القناعة تؤدی الی العزّ؛ قناعت به عزّت منتهی می‌شود»

چه بسیار افرادی که با همه سرمایه‌ای که دارند، روحیه‌گدایی بر آنها حاکم است. فیض کاشانی از وجود پیامبر(ص) اکرم(ص) نقل می‌کند که حضرت فرمود: رهایی از [42](#).» بی‌نیازی به فراوانی ثروت نیست، بلکه به روحیه بی‌نیازی است اسارت نفس به قناعت وابسته است. کسی که قناعت پیشه نسازد، به اسارت نفس گرفتار می‌شود و عزّت خود را از دست می‌دهد. علی(ع) می‌فرماید: «الحریص عبد [43](#).» المطامع؛ حریص بنده هواهای نفسانی است

3- تزکیه نفس

این صفت از مهم‌ترین عوامل خودسازی قلمداد می‌شود. صفت ناپسند حرص، که سرچشمه بسیاری از رذایل اخلاقی است، با قناعت درمان می‌شود. ریشه کن کردن حرص نقطه آغازی برای آراسته شدن به مکارم اخلاق خواهد بود. بر این اساس، امیرالمؤمنین(ع) قناعت را عامل مقابله با حرص شمرده و فرموده‌اند: «انتقم من حرصک بالقنوع کما تنقم من عدوّک بالقصاص؛ از حرص خود با [44](#).» قناعت انتقام بگیر همان گونه که از دشمن خود با قصاص انتقام می‌گیری

در جایی دیگر، از قناعت به عنوان بیشترین یاری دهنده فرد در جهت اصلاح نفس یاد کرده‌اند: «اعون شیء علی صلاح النفس القناعة؛ کمک کارترین عامل [45](#).» بر اصلاح نفس قناعت است

مسلم است فردی که توفیق خودسازی پیدا کرده و از نفس صالحی برخوردار گشته است، از توانایی ایجاد آرامش در جامعه و به حداقل رساندن تنش‌ها و ناسازگاری‌ها برخوردار خواهد بود.

راههای بدست آوردن قناعت

1- نگاه کردن در مسائل مادی به پایین تر از خود

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا انسان‌ها از موقعیت اقتصادی در زندگی خود احساس رضایت کنند و با کمبودهای احتمالی به گونه‌ای مطلوب کنار بیایند، مقایسه موقعیت اقتصادی خود با کسانی است که به لحاظ ویژگی‌های مالی با مشکلاتی به مراتب بیشتر دست و پنجه نرم می‌کنند. این مقایسه، زمینه رضایت از موقعیت اقتصادی فعلی و اجتناب از بلند پروازی‌ها را فراهم می‌کند. البته معنای این سخن، دست برداشتن از تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندی‌ها در زندگی نیست، بلکه جلوگیری از زیاده طلبی و تجمل گرایی است.

امام صادق ع فرمود: از نظر امکانات به کسی که پایین تر از تو است نگاه کن تا باعث شود به روزی مقدر از جانب خدا راضی باشی.

همچنین در روایات به رفت و آمد با فقرا سفارش شده است که باعث می‌شود خدا را بیشتر شکر کنی. ولی سفارش شده با ثروتمندان رفت و آمد نکنید

امام باقر(ع) فرمودند: «لا تجالس الاغنیاء فان العبد یجالسهم و هو یری ان الله علیه نعمه فما یقوم حتی یری ان لیس لله علیه نعمه» با ثروتمندان هم نشین مباش، چون هنگامی که بنده‌ای در کنار آنان می‌نشیند، خود را مشمول نعمت

خداوند می‌داند. اما از کنار آنان بر نمی‌خیزد تا این که می‌پندارد خداوند هیچ نعمتی «به او نداده است

سیره بزرگان

سیره بزرگان ما بر مبنای قناعت بوده است و ماهم برای رسیدن به قله های موفقیت باید همان راه را برویم و مخصوصا خانمها در زندگی زناشویی حتما قناعت را شعار خود قرار دهند تا یاور خوبی برای همسر باشند و از اسبیهای حرص و طمع ورزی در امان بمانند.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «ای انسان‌ها، اگر از دنیا به اندازه کفایت بخواهید کمترین اندازه شما را کفایت خواهد کرد و اگر بیش از آن بخواهید، همه «آن چه در دنیا است نیز شما را کفایت نخواهد کرد

پس از بازگشت پیامبر اکرم(ص) از جنگ خیبر، همسران آن حضرت در خواست کردند گنجینه‌های «آل ابی الحقیق»، که به عنوان غنیمت به تصرف مسلمانان در آمده بود، تقدیم آنان گردد. رسول خدا(ص) فرمود: بر اساس دستور خدای متعال، این اموال باید میان همه مسلمانان تقسیم گردد. همسران به خاطر این سخن، از آن بزرگوار به خشم آمدند و مطالب ناپسندی را به زبان راندند. در این هنگام خدای متعال آیات 28 و 29 سوره احزاب را نازل فرمود و آنان را مخیر ساخت که یا دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا، رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با قناعت و پرهیز از رفاه زدگی، به زندگی ساده خود با رسول خدا(ص) ادامه دهند. «ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید

بیاید شما را با هدیه‌ای بهره‌مند سازم و شما را به سبک نیکویی رها سازم و اگر شما خدا، پیامبر و سرای آخرت را می‌خواهید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش (بزرگی آماده ساخته است). (احزاب، 28 و 29)

البته این برخورد موجب تنبه و آگاهی آنان شد و ابتدا امّ سلمه و به دنبال او سایر همسران عرضه داشتند: ما خدا و رسول را انتخاب می‌کنیم و با رسول خدا(ص) از در آشتی در آمدند

در توراه آمده: ای فرزند هر طور می‌خواهی بکن چون هر نوع عمل می‌کنی بهمان نحو هم پاداش می‌بینی هر کس به روزی کم خداوند راضی باشد خداوند هم عمل او را قبول می‌کند و هر کس به مال حلال کم قانع باشد خداوند رنج او را کم می‌کند و به کسب او برکت می‌دهد و آن شخص را از جزو بندگان فاجر خارج می‌کند.

رابطه بین اسراف با قناعت

اگر کسی قانع بود اسراف هم نمی‌کند ولی اگر قناعت نداشت به گناه اسراف الوده می‌شود

علی (ع) می‌فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است.

رهبر عزیزمان فرمودند: خطاب اول ما به کسانی است که متمکنند و امکاناتی دارند و می‌توانند خرج کنند. به آنها عرض می‌کنیم که کمتر خرج کنید ملاحظه کنید و اسراف نکنید

ساده زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را - که واقعا بلای بزرگی است - از جامعه مان ریشه کن کنیم با حرف و گفتن نمی‌شود ... عمل ما بایستی موید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد.

ما ملت ایران باید این جامه ی ناساز بی اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم ما خیلی مصرف زده هستیم باید این را

حلش کنیم . همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند . البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد .

ما باید به صرفه جویی عادت کنیم . صرفه جویی یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم دور نریزیم . نسبت به امکانات با هوس رفتار نکنیم . دائما چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن روش درستی نیست . به نظر من باید مسئولان کشور راه صرفه جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند.

مصرف گرایی برای جامعه بلای بزرگی است . اسراف روزبه روز شکاف های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می کند . یکی از چیزیهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند اجتناب از اسراف است . دستگاه های مسئول بخش های مختلف دولتی بخصوص

دستگاه های تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا و سیما - باید وظیفه ی خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمل گرایی سوق ندهند بلکه در جهت عکس مردم را به سمت قناعت اکتفا و به اندازه ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف گرایی جامعه را از پای در میآورد. جامعه ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد در میدان های مختلف شکست خواهد خورد . ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادی ها بزنیم . (3)

(

صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می گویند - به معنای نخوردن نیست . به معنای زیاده روی نکردن مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است . (4) موضوع قناعت را جدی بگیرید .

منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمت های الهی
نزنید و از آنها بهره مند نشوید. مقصود این است که حد و
اندازه نگه دارید زیاده روی و اسراف نکنید نعمت های
الهی را ضایع ننمایید.) من آنها را به قناعت به صرفه جویی
و به اسراف نکردن دعوت می کنم

اولین چیزی که محبت را از خونه میبرد و شیشه محبت را بین زن و شوهر
میشکونه تندخویی

اگر زن در مقابل شوهرش زیون دراز باشه، پرخاشگری کنه

.همون جمله ای اولی که میگه به احساس شوهرش لطمه میزنه

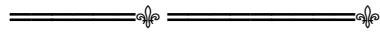
اگر مردی تندخو شد، فریاد زد و زخم زبان زد و به همسرش گفت ببین زن
همسایه چه زن خوبی، تو هم هستی

این یعنی مردی زنی را به رخ زن خودش می کشه

.اینجاست که بدترین ضربه را به روح لطیف خانومش میزنه

چون این جمله به اندازه ای کوبندگی داره که همون لحظه اول عشق را به
نفرت تبدیل میکنه

باید مواظب رفتارها بود که خدای نکرده شیشه محبت بین زن و شوهر شکسته
نشه و عشق و علاقه رشد پیدا کنه



مرد_خونم_باش

آقایون میدونستید زنانی که در خونه پرخاش میکنن و داد میزنن کمبود محبت شدید از طرف همسرانشون دارن؟

آقایون میدونستید که آرامش را مرد به زن میبخشه

و همون آرامش را زن در خانه بین بچه هاش تقسیم میکنه و دوباره به...خودتون بر میگرددونه

آقایون آیا میدونستید صحبت در مورد احساسهای درونی بین زن و مرد،،کانال..مشاوره ریحانه بهشتی،، باعث ایجاد ثبات و امید در زندگی میشه

آقایون میدونستید یکی از نیازهای خانوم ها شنیدن تمجید و تعریف از سوی همسرشونه

آقایون میدونستید نوازشهای محبت آمیز مردانه از مسکن های قوی بهتر عمل میکنه؟؟

پس از خائومتون تشکر کنید، محبت کنید

..... براتون عادی نشه، کار هاش، تمیز بودنش، محبتش و

اعتکاف و خانواده

و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیّتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود (بقره 125)

اعتکاف امیزه ای از چند عبادت است یکی روزه یکی مسجد. و نماز و دعا و ذکر و ...

اعتکاف معادل طواف کعبه و همتای رکوع و سجود است همان گونه که در ایه 125 بقره آمده است.

پیامبر خدا فرمود هر یک روز اعتکاف باعث می شود که بین او و جهنم سه خندق ایجاد شود که فاصله ه خندق تا دیگری فاصله بین زمین و آسمان است.

از جمله آثار مهم اعتکاف:

1- تقویت اراده :. بر اثر عبادت‌هایی که در این سه روز شخص معتکف انجام می‌دهد اراده او برای اطاعت از خداوند و مبارزه با نفس و شیطان تقویت می شود. همانگونه که خدای متعال می فرماید . واستعینوا بالصبر و الصلوه. (بقره 54) که مراد از صبر یکی روزه است.

2- تواضع و فروتنی: معتکف در مقابل عظمت الهی خود را کوچک می بیند و تکبرش از بین می رود و فروتن می گردد.

3- کم شدن گناه: هرچه روح عبودیت در انسان قوی تر شود میل به گناه در او ضعیف تر می گردد و اعتکاف می تواند در این زمینه بسیار موثر باشد

4- برقراری ارتباط با دیگر مومنین دوست یابی ایمانی: خداوند دوست دارد بین مومنین برادری و اخوت باشد و اعتکاف به این امر کمک می کند. که افراد با مومنین دیگری که برای اعتکاف آمده اند آشنا می شود و چه بسا انسان دوست خوبی را پیدا کند که سالیان سال باهم رفیق باشند و کمک کار هم باشند.

5- فرد معتکف که به تصفیه روح خود اقدام کرده نسبت به خانواده خود رفت و شفقت بیشتری پیدا می کند. محبتش به خانواده بیشتر می گردد. و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به خانواده خود پیدا می کند. زیرا در قرآن ذکر شده که بعد از ایمان به خدا، احسان به والدین توصیه شده است. و فرد معتکف برای نیکی به والدین مصمم تر می گردد

همچنین کسانی که روحیه عبودیت در آنها تقویت می شود برای خدمت به خانواده خود و خوش اخلاقی نسبت به خانواده مصمم تر می گردند.

خوش اخلاقی و احسان به والدین و محبت بیشتر به همسر و فرزندان از دستاوردهای یک اعتکاف درست می باشد.

وقتی معتکف سه روز در مسجد مهمان پروردگار عالمیان می گردد نتیجه این مهمانی سه روزه، بندگی کردن بیشتر در مقابل خالق خود می باشد. و بندگی و عبودیت اشکال مختلفی دارد که یکیش نماز است اما اشکال دیگر آن عمل به دستورات قرآن کریم است که از جمله می فرماید: ان الله یامر بالعدل والاحسن و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشا و المنکر و البغی

که در این آیه خدا امر می کند به احسان و نیکی به دیگران. عدالت ورزی و کمک به فامیل و نهی می کند از کارهای زشت و ظلم به یکدیگر

6- ادم معتکف که حاضر شده سه شبانه روز در مسجد بماند و به عبادت مشغول باشد دنبال مواد مخدر نمی رود. دنبال دزدی نمی رود. دنبال شرابخواری نمی رود. دنبال مفاسد اخلاقی نمی رود. خانواده خود رو اذیت نمی کند. خرجی خانواده خود را قطع نمی کند. دعوا و نزاع نمی کند. باعث اخلاف در فامیل نمی شود.

امام خمینی و خانواده

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید
مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَهُ فَلْيَكْرِمْهَا. هر کس زنی بگیرد، باید او را
... "احترام کند

پیامبر فرمود جبرئیل انقدر باره حق زنان گفت که خیال
کردم حتی اف گفتن به همسر جایز نباشد.
حضرت امام درباره سبک زندگی اسلامی یک
الگوی کامل هستند. چه در زمینه چگونگی
برخورد با همسر. و چه در زمینه چگونگی برخورد
با فرزندان. و در زمینه تربیت اسلامی خانواده. و در
زمینه رعایت حقوق خانواده. و چه در زمینه یاد
آوری جایگاه مهم مادر.

همسر شهید محلاتی به نقل از همسر بزرگوار خود
می گوید:

"... امروز حضرت امام در درس فرمودند که طلبه
های متأهل نباید شب ها مطالعه کنند، بلکه شب ها را
به رسیدن به امور منزل و رسیدگی به زن و فرزند
گذرانده، سحرها را به مطالعه اختصاص دهند."
همسر امام می گوید:

امام همیشه جای بهتر را به من تعارف می کردند

**تا من نمی آمدم سرسفره، خوردن غذا را شروع
نمی کردند. به بچه ها هم می گفتند، صبر کنید تا
خانم بیاید**

یک روز من ایستاده بودم و دخترهایم نشسته بودند. ایشان (امام) با ناراحتی گفتند:

چرا شما نشسته اید از جایتان بلند شوید. مادر شما جلوی شما ایستاده

خانم فریده مصطفوی دختر حضرت امام می گوید: هیچ وقت ما ندیدیم ایشان به خانم بگویند فلان کار را برای من انجام بده یا حتی یک چای برای من بریزید. همیشه ما یا کارگر منزل را خطاب می کردند. اگر یک وقت هیچکس نبود، صدا می زدند

.خانم! بگویند یک چای برای من بیاورند
اگر کسی در منزل نبود قهراً خانم این کار را خودشان می کردند ولی ایشان چنین دستوری نمی دادند. همیشه خیلی به خانم احترام می گذاشتند و مقید بودند اظهار محبت و علاقه را جلوی ما فرزندان علنی کنند. (پا به پای آفتاب، ج 1، ص 97)، (همسر حضرت امام

نقل از دختر امام: در تمام مسائل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود و ایشان هیچ گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند

اگر بگویم که در طول شصت سال زندگی، زودتر از خانم دستشان توی سفره نرفت، دروغ نگفته ام. اگر بگویم کوچک ترین توقعی از ایشان نداشتند، دروغ نگفته ام. حتی می توانم بگویم در طول شصت سال زندگی هیچ وقت یک لیوان آب هم از خانم نخواستند

امام کاری را به خانم نمی دادند

خانم فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام نقل می کند: امام کاری را به خانم نمی دادند، خانم می گویند وقتی یک دکه پیراهنشان می افتاد می گفتند: می شود این را بدهید بدوزند. نمی گفتند: خودت بدوز یا احیاناً اگر روز بعد دوخته نشده بود نمی گفتند: چرا ندوخته اید. می گفتند:

کسی نبود بیاید بدوزد. تا آخر عمرشان هیچ وقت به خانم نگفتند یک لیوان آب بده
)

کمک به همسر در کار منزل و بچه داری

عروس حضرت امام(ره) خانم فاطمه طباطبایی نقل می کند که: خانم می گفتند: چون بچه هایشان شب تا صبح گریه می کردند و ایشان مجبور بودند تا صبح بیدار بمانند، امام شب را تقسیم کرده بودند. یعنی مثلاً دو ساعت ایشان بچه را ساکت می کردند و خانم می خوابیدند و بعد دو ساعت خودشان می خوابیدند و خانم بچه را نگه می داشتند. البته روزها که مشغول درس و بحث بودند، فرصتی برای نگهداری بچه ها نداشتند.

دختر حضرت امام خنم فریده مصطفوی نقل می کند: امام همیشه در کارهای منزل کمک می

کردند و به ما نیز می گفتند: کمک از بهشت آمده است

فرزندانشان تعریف می کنند که ایشان با آن ها بازی می کردند یعنی بعد از تمام شدن درس، ساعتی را به بازی با بچه ها می پرداختند و به این ترتیب به خانم در کار تربیت بچه ها کمک می کردند.

امام به پسر و نوه هایشان القا می کردند که از زنانشان انتظار کاری نداشته باشند و اگر کار کردند، محبت کرده اند. البته به دخترها نیز توصیه می کردند که کار کنند

کمک در آشپزخانه

خانم دباغ نقل می کند: روزی بر حسب اتفاق تعداد میهمانان منزل امام زیاد شد، پس از صرف غذا ظرف ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا - دختر آقای اشراقی - آماده شدیم که ظرف ها را بشوئیم. اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا پرسیدم: "حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده اند؟" و حق

داشتم که تعجب کنم، زیرا وقت وضو نبود؛ اما امام آستین
هایشان را بالا زدند و فرمودند: **چون ظرف های امروز**
زیاد است آمده ام کمکتان کنم

بدنم شروع به لرزیدن کرد. خدایا چه می بینم! به زهرا گفتم
تو را به خدا از امام خواهش کنید که ایشان تشریف ببرند.
(خود ما ظرف ها را می شوئیم). (همان، ص 173)

دختر حضرت امام خانم فریده مصطفوی نقل می کند: امام
همیشه در کارهای منزل کمک می کردند و به ما نیز می
گفتند: **کمک از بهشت آمده است**

مثلا خودشان چای می ریختند. حتی وقتی لیوان آبی می
خواستند، به کسی دستور نمی دادند، بلکه خودشان به
آشپزخانه می رفتند و لیوان را آب می کردند

خودم باید کار کنم

در جمع نشسته بودیم، می دیدیم که آقا دارند به طرف
آشپزخانه می روند. از ایشان سوال می کردیم، می گفتند
می روم آب بخورم

می گفتیم: "به ما بگویید تا برایتان آب بیاوریم." می گفتند: مگر خودم نمی توانم این کار را انجام بدهم؟ بعد با خنده می گفتند: انسان باید خود کفا (باشد). همان، ص 103

همسر امام در پاسخ به این پرسش که امام چگونه همسری است و در طول سال های زندگی با شما چگونه رفتار کرده است، می گوید:

رفتار ایشان با من، بسیار خوب بوده است. من از ایشان، خیلی راضی هستم. همیشه احترام مرا داشته اند. هیچ وقت با تندی صحبت نمی کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می گویند: ممکن است، بگویی به من فلان لباس را بدهند! حتی گاهی خودشان چای خودشان را می ریزند امام، محیط زندگی را و احترام به همسر و فرزندان را، بخشی از سلامت و سعادت جامعه آینده می دانند

پیام متن

امام خمینی رحمه الله با پیروی از آموزه های دینی، رفتاری احترام آمیز با همسر خویش داشت، در همه حال قدردان او بود و از امر و نهی کردن او پرهیز می کرد

انسان نباید، برای خود امتیازی نسبت به همسر قائل 2. شود، و بر این اساس باید رفتارش نسبت به همسر احترام آمیز باشد

امام در مورد انتخاب همسر برای فرزندان خود همواره بر خانواده تأکید فراوان داشته، می گفتند:

" خانواده ها باید هم مسلک باشند، سنخیت داشته باشند و مؤمن و متعهد باشند."

البته به گفته فرزندان ایشان در ازدواج آنان، رضایت دختر یا پسر شرط بود و در صورتی که دختر ایشان علی رغم تأیید صلاحیت داماد، خواستگاری وی را رد می کرد، امام نیز رد می کردند.

اکنون که با چگونگی انتخاب همسر از منظر امام آگاه شدیم، چند نکته ضروری را که از پیامدهای انتخاب و

ازدواج است، فهرست وار مطرح می کنیم. یکی از مسائل مهم پس از خواستگاری، برپایی مراسم عقد و عروسی و دیگر مسائل مربوط به آن است.

فرزند امام در این باره می گوید: "در مراسم ازدواج فرزندانمان، هم عقد می گرفتند و هم عروسی. البته خیلی مختصر و معمولی. نسبت به نوه هایشان چون بعد از انقلاب بود، خیلی ساده برگزار می کردند."

با توجه به این که اسلام دینی همه جانبه بوده، هرگز به مسائل، نگرش یک سویه ندارد، دستورها و تعالیم اسلامی همواره به گونه ای متعادل و مطابق با فطرت و عقل بشری وضع شده است و همان گونه که مکتب ما برای مسائل اخروی و معنوی اهمیت فراوانی قایل است؛ امور دنیوی را هم در صورتی که ضایع کننده آخرت نباشد، مورد نظر قرار داده، شادکامی و سعادت دنیوی و اخروی را با هم عجین کرده است.

سیره عملی امام درباره جشن ازدواج فرزندانسان ، با موازين ديني مطابقت كامل داشت . نکته قابل توجه اين است كه هم از تحجّر و مقدس مآبي، و هم از تجملات و اسراف، پرهيز كرده و اين امر الهی را به بهترين صورت انجام داده اند. اقتضای زمان و توجه به مشكلات اقتصادي جامعه از دور انديشي ها و واقع نگري هاي اين بزرگمرد الهی است كه هماره برای نسل های امروز و فردا به عنوان الگویی كامل خواهد بود. در تهيه جهيزيه نيز امام همواره تعادل و شأن را در نظر می گرفتند.

خانواده، بنيانی آسمانی

اکنون كه گام نخست در تشكيل خانواده، مورد بررسی قرار گرفت، به سیره عملی امام درباره افراد خانواده می پردازيم و به عنوان مقدمه، بخشی از سخنان آسمانی اين مرد الهی را در باره اهميت خانواده از نظر گذرانده، سپس به برخورد های شخصی و جزئی او می پردازيم، تا از سفره هدايتش توشه ای بگيريم.

همسر شهید محلاتی به نقل از همسر بزرگوار خود می گوید:

"... امروز حضرت امام در درس فرمودند که طلبه های متأهل نباید شب ها مطالعه کنند، بلکه شب ها را به رسیدن به امور منزل و رسیدگی به زن و فرزند گذرانده، سحرها را به مطالعه اختصاص دهند."

توجه فراوان امام به حقوق زن و فرزند در این نکته اخلاقی کاملاً هویداست. قداست خانواده از دیدگاه ایشان در جای جای زندگی خانوادگی و نصایح ایشان به دیگران بسیار قابل تحسین است. امام در وصیت نامه خود به یادگار خویش می نویسد:

"... حقوق بسیار مادرها را نه می توان شمرد و نه می توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد، ارزنده تر است."

و نیز در جای دیگر می فرماید:

"و به احمد، پسر من، وصیت می‌کنم که با ارحام و
اقربای خود خصوصاً خواهران و برادر و
خواهرزادگان با مهر و محبت و صلح و صفا و ایثار
و مراعات رفتار کند و به همه فرزندانم وصیت می
کنم که باهم یکدل و یک‌جهت باشند."

حقوق و وظایف همسران

برخی از حقوق و وظایف زن و شوهر عبارتند از:

1. زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کُتُب ذکر شده بر شوهر واجب است، و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد، یا نداشته باشد مدیون زن است. 290
2. اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است، و حق غذا و لباس و منزل و هم‌خوابی ندارد، ولی مَهر او از بین نمی‌رود. 291
3. مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند. 292

4. مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست، ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد باید خرج سفر او را بدهد. 293
5. زنی که از شوهر اطاعت می‌کند اگر مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می‌تواند جهت الزام شوهر بر پرداخت نفقه به حاکم شرع و اگر ممکن نباشد به عدول مؤمنین، و اگر آن هم ممکن نباشد به قُسّاق مؤمنین مراجعه نماید، و چنانچه الزام شوهر بر دادن نفقه ممکن نباشد می‌تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد، و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. 294
6. مرد نمی‌تواند زن دائمی خود را به طوری ترك کند که نه مثل زن شوهردار باشد نه مثل زن بی‌شوهر، لکن واجب نیست هر چهار شب يك شب نزد او بماند. 295
7. شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با عیال دائمی خود را ترك کند. 296

8. مرد باید نسبت به کارهایی که همسرش از روی ناآگاهی انجام داده است، گذشت داشته باشد و با او تُرشرویی نکند. 297
9. اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، و همچنین اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی باز دارد، بنابر احتیاط واجب باید خودداری کند. 298
10. نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است، [ولی] اگر زن با اجازه شوهر نذر کند شوهرش نمی‌تواند نذر او را به هم بزند، یا او را از عمل کردن به نذر باز دارد. 299
11. اگر شوهر از قسم خوردن زن جلوگیری نماید، قسم او صحیح نیست. 300
12. اگر زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، قسم او بعید نیست صحیح نباشد، لکن نباید احتیاط را ترك کند. 301
13. اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد. 302

استفتائات

آرایش زن و رضایت همسر

آرایش کردن زن، خود را برای غیر همسر در بعضی مجالس زنانه مثل عروسی یا مهمانی زنانه و ... چه حکمی دارد؟ و در صورتی که مورد رضایت همسر نباشد چه حکمی دارد؟

باسمه تعالی؛ در صورتی که نامحرم او را نبیند اشکال ندارد، ولی سعی شود تا توافق بین زن و شوهر حاصل شود. 303

لباس زن و رضایت همسر

اگر جهت شرکت در يك مهمانی خاصی زن بخواهد لباس مخصوصی را بپوشد، ولی همسر وی راضی نباشد و پوشیدن آن لباس نیز موجب هتك آن زن نباشد، و در صورت استفاده زن از آن لباس چه بسا موجب ناراحتی خانوادگی و ایجاد اختلاف شود، از نظر شرعی این پوشیدن چه حکمی دارد و آیا جایز هست یا خیر؟

باسمه تعالی؛ اگر پوشیدن لباسی موجب اختلاف و مفسده باشد، باید از پوشیدن آن اجتناب شود. و شوهر

هم نباید از لباسی که متعارف است آقران 304 همسر او می پوشند جلوگیری کند. 305

توطّن زن

آیا زن در توطّن 306 یا مسافرت تابع مرد است؟ در چه شرایطی و تا چه حدی؟
باسمه تعالی؛ میزان قصد خود زن است. 307

حدود اطاعت از شوهر

حدود اطاعت از شوهر تا چه حدی است؟
باسمه تعالی؛ در مطلق استمتاعات 308 و خروج زن از منزل باید اطاعت از شوهر باشد. 309

ترك حقوق و وظائف همسران

أ. نُشوز زن

نُشوز زن یا رعایت نکردن حقوق شوهر عبارت است از بیرون رفتن زن از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است و آنها عبارتند از:

1. تمکین نکردن خویش برای شوهر در کامیابی و امور جنسی.
 2. از بین نبردن آنچه مایه تنفر و ضد کامیابی و لذت بردن امور جنسی است.
 3. ترك پاکیزگی و آرایش خود در صورتی که شوهر خواستار آن باشد.
 4. بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر و غیر اینها.
- ولی ترك اطاعت از شوهر در مواردی که بر زن واجب نیست، باعث نشوز وی نمی‌شود. بنابراین اگر زن از خدمات خانه و خواسته‌های شوهر که مربوط به کامیابی در امور جنسی نمی‌شود مانند جارو کردن، خیاطی، آشپزی یا جز آن حتی آب‌دادن و پهن کردن رختخواب خودداری کند، نشوز وی شمرده نمی‌شود.³¹⁰

یادسپاری

- اگر زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.³¹¹

استفتائات

حکم اطاعت نکردن زن از شوهر

اگر زنی در زندگی اولاً اطاعت از شوهر نکرد؛ ثانیاً برای شوهرش ارزش قائل نبود؛ ثالثاً اسرار زندگی را در همه جا فاش نمود؛ رابعاً در زندگی مرتب دروغ گفت تکلیف مرد از نظر شرعی با چنین زنی چیست؟
باسمه تعالی؛ باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. 312

مقیّد نبودن زن به مسائل شرعی

چندین سال است که ازدواج کرده‌ام، خودم خیلی دنبال مسائل دینی و شرعی هستم و مقلّد امام می‌باشم، ولی متأسفانه همسر من زیاد به مسائل دینی اهمیت نمی‌دهد و بعضی اوقات پس از خیلی سر و صدا يك دفعه نماز می‌خواند و چند دفعه نمی‌خواند و این امر مرا زیاد رنج می‌دهد، در اینجا وظیفه من چیست؟
1. آیا خوردن غذایی که او درست می‌کند از نظر شرعی جایز است؟

2. آیا در این مورد، در روز قیامت، من مسؤول نیستم؟
3. آیا در اثر بی‌توجهی او به دین، باید او را طلاق داد؟
- باسمه تعالی؛ اگر منکر خدا یا رسول یا یکی از ضروریات دین نیست پاك است و باید او را امر به معروف کنید، و اگر مؤثر نباشد شما معذور هستید و لازم نیست طلاق دهید و اختیار طلاق در دست خود شماست. 313

ب. نُشوز مرد

نُشوز مرد با رعایت نکردن حقوق زن عبارت است از: ستم و آزار به زن و انجام ندادن حقوق واجبى که زن بر عهده شوهر دارد، مانند پرداخت هزینه‌های زن از سوی شوهر. 314

یادسپاری

برای آگاهی از راههای درمان نشوز زن و مرد به کتاب تحریر الوسیل، ج 2، ص 305 - 307 و یا به ترجمه آن مراجعه کنید.

ج. احکام طلاق

آیا به یاد می‌آوریم لحظات شیرین و مقدس ازدواج را؟ همان زمانی که اشك شوق مادر همچون شبنم برگونه‌هایش جاری می‌شد، و با زبانی لرزان به دخترش می‌گفت: «دخترم به آرزوی خود رسیدم و شکر خدا که عروسی تو را دیدم».

همان وقتی که پدر، آغوش پُر مهر و محبت خود را باز می‌کرد و پسرش را در آغوش می‌فشرد و به او می‌گفت: «پسرم بر تو مبارك باد، سالیانی است که در انتظار چنین روزی بودم».

همان لحظاتی که خواهر و برادر با لبخندی شیرین و با شور و هیجانی سرشار از شوق و شادی می‌گفتند: «پیوندتان مبارك باد».

آن هنگامی که خردسالان با شاخه‌ای از گل شادی، احساسات پاك خود را ابراز می‌کردند و با شیرین زبانی می‌گفتند: «عروسی تان مبارك باد».

آن زمانی که خویشان و نزدیکان با دستانی گرم و صمیمی و با بوسه‌هایی پُر از مهر و صفا خداحافظی می‌کردند و می‌گفتند: «ان شاء الله به پای یکدیگر پیر شوید».

آری، آیا به یاد می‌آوریم لحظات شیرین و مقدس ازدواج را؟

آیا مگر آن قند و شاخه نبات، بجز پیامی شیرین پیام دیگری داشتند؟ مگر آن چراغهای رنگی، بجز نور شادی نور دیگری می‌پاشیدند؟

مگر آن لباسهای سفید، بجز خبرِ انس و الفت و آشتی خبر دیگری می‌دادند؟

مگر آن شب، بجز سرود زیبایی و جاودانگی سرود دیگری می‌نواختند؟ اینک پس از آن همه، چگونه می‌توان نظاره گر از هم گسستن آن پیوند زیبا و مقدس بود؟ چگونه می‌توان به جای آن اشک شوق، اشک غم و اندوه را بر چهره مادر دید؟

چگونه می‌توان به جای آن آغوش پُر مهر و محبت پدر،

آغوشی سرد و بی‌روح را احساس کرد؟

به کدام قیمتی می‌توان لبخند شیرین خواهر و برادر را با

چهره‌ای غم گرفته و اندوهناک معاوضه نمود؟

به کدام بهایی می‌توان گل شادیِ خردسالان را در پاییز

جدایی، پژمرده دید؟ کدام طاقت و توانی است که حاضر

است به جای صدای دلنشین «بابا» و «مامان» فرزندان،

گریه تنهایی آنان را بشنود؟ آیا مگر دوست نداریم که فضای خانه بوی عشق و محبت و ایثار دهد، و بوسه‌های شیرین بر گونه‌های حریرگون کودکان بنشیند و عطر دل‌انگیز آن به مشام رسد؟

آیا سزاوار است که کودکان معصوم، بی‌پناه شوند و فدای «غرور» پدر و «لجاجت» مادر گردند؟ آیا مگر «طلاق» مبعوضترین کار حلال در پیشگاه خداوند نیست؟

باری، از این رو بود که قلم نگارنده، توان آن نداشت که از «طلاق» سخنی گوید و یا احکام آن را روی صفحه کاغذ به رشته تحریر کشد.

امید است که با «گذشت» پدران و «پیشقدمی» مادران، دوباره نور شادی و سُرور را به خانه و خانواده آورد، و بیش از این قلب شکستنی و نازنین فرزندان را آزرده نکرد.

حقوق فرزندان و وظایف پدر و مادر

برخی از حقوق فرزندان که بر عهده پدر و مادر است عبارتند از:

أ. غسل ولادت، گفتن اذان و اقامه، کامکشایی

در صورتی که برای نوزاد زیان نداشته باشد، مستحب است هنگام تولد، او را غسل دهند؛ و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه را بگویند؛ و کام او را با آب فرات و تربت حضرت سیدالشهدا(ع) بکشایند. 315

ب. نامگذاری

نامگذاری نوزاد با نامهای خوب، مستحب و از حقوق فرزند بر پدر است. و بهترین نامها هر نامی است که بندگی خدا - جلّ شأنه - را در برداشته باشد؛ مانند عبدالله، عبدالرحیم، عبدالرحمن و مانند آنها. و پس از آن، نامهای پیامبران و امامان(علیهم السلام) است که بهترین آنها نام «مجد» است، بلکه اگر دارای چهار فرزند است کراهت دارد نام یکی از آنان «مجد» نباشد. و همچنین مکروه است اگر نام او «مجد است کنیه او را «ابوالقاسم» بگذارد. 316

پیامبر خدا(ص) می‌فرماید:

ای علی! حق فرزند بر پدر این است که نام زیبا برای او انتخاب و ادب و اخلاقش را نیکو کند و کار شایسته‌ای برای وی برگزیند. 317

امام رضا از پدرانش (علیهم السلام) نقل می‌کند که پیامبر خدا 6 فرمودند:

هرگاه نام فرزند خود را مجد گذاشتید، به او احترام بگذارید و برایش جا باز کنید و با وی ترشروی نکنید. 318
(سکونی می‌گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم در حالی که غمگین و اندوهناک بودم. حضرت به من فرمودند: سکونی چرا غمگینی؟ عرض کردم: دختری نصیبم شده است ... حضرت فرمودند: او را چه نام نهاده‌ای؟ عرض کردم: «فاطمه». حضرت فرمودند:)

آه! آه! ... اکنون که او را «فاطمه» نام نهاده‌ای دشنامش مده، نفرینش مکن و او را کتک مزن. 319

امام باقر از پدرانش (علیهم السلام) نقل می‌فرمایند: پیامبر خدا (ص) نامهای زشت و نازیباى مردان و شهرها را تغییر می‌دادند] و به جای آنها نامهای زیبا و نیکو را برمی‌گزیدند]. 320

ج. ختنه کردن

1. ختنه کردن پسر واجب است. و اگر تا پس از بلوغ تأخیر بیفتد بر پسر واجب است که خودش را ختنه کند حتّی اگر کافر ختنه نشده‌ای مسلمان شود واجب است که ختنه شود اگر چه سالخورده باشد، و تا زمان بلوغ بر ولیّ پسر واجب نیست که او را ختنه کند. پس چنانچه پسر بدون ختنه بالغ شد بر خودش ختنه کردن واجب است، اگر چه احوط آن است که ولیّ اش وی را ختنه کند. 321

2. ختنه شدن ذاتاً واجب است و شرط صحت در طواف حج یا عمره است چه آن دو واجب باشند یا مستحب. ولی بنا بر اقوا شرط صحت نماز نیست چه رسد به سایر عبادات. 322

3. اگر کسی بچه‌ای را ختنه کند و ضرری به آن بچه برسد یا بمیرد، چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است، و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست. 323

د. ولیمه و مهمانی

ولیمه دادن هنگام تولد بچه مستحب است و این یکی از پنج موردی است که ولیمه دادن در آنها سنت و مستحب است، همان‌گونه که یکی از آن موارد در هنگام ختنه کردن است. و معتبر نیست که ولیمه در همان روز اول تولد داده شود، بلکه تأخیر آن تا چند روز نیز اشکالی ندارد. و ظاهر این است که چنانچه ختنه در روز هفتم و یا پیش از آن صورت گیرد و در روز ختنه به نیت ولیمه تولد و ختنه، ولیمه داده شود، هر دو کار مستحب انجام شده است. 324

ه'. عقیقه کردن

1. از مستحباتی که بر آن تأکید شده، عقیقه و قربانی کردن برای نوزاد پسر و دختر است. و مستحب است برای نوزاد پسر، حیوان نر و برای نوزاد دختر، حیوان ماده عقیقه شود. و مستحب است که عقیقه را در روز هفتم انجام دهند. و چنانچه از روز هفتم به تأخیر بیفتد - چه با عذر و چه بدون عذر - عقیقه ساقط نمی‌شود. بلکه اگر برای فرزند عقیقه ندادند و او بالغ شد، مستحب است که فرزند برای خودش عقیقه دهد، و چنانچه در زمان

حیات نیز عقیقه ندهد، مستحب است پس از مرگ وی
برایش عقیقه دهند. و عقیقه باید یکی از چهارپایان
سه‌گانه باشد: گوسفند (میش یا بز)، گاو و شتر. و
صدقه دادن پول عقیقه به جای آن کافی نیست و جای
آن را نمی‌گیرد ... و مستحب است پا و ران عقیقه را به
مامای بچه اختصاص دهند، و بهتر این است که ربع آن را
به وی اختصاص دهند. و چنانچه آن ربعی از عقیقه را که
پا و ران عقیقه در آن است به ماما بدهند، بعید نیست
که هر دو کار مستحب را انجام داده باشند. و در صورتی
که ماما نباشد سهم او را به مادر می‌دهند تا آن را صدقه
بدهد. 325

2. در عقیقه مخیر هستند بین اینکه آن را به صورت
گوشت خام یا پخته شده تقسیم کنند، و یا اینکه آن را
بپزند و عده‌ای از مؤمنان - دست کم ده نفر - را دعوت
کنند. و اگر بیشتر از ده نفر باشند بهتر است، و مهمانان
از آن بخورند و برای نوزاد دعا کنند. و اشکالی ندارد که
عقیقه مطابق آنچه متعارف است پخته شود، و گاهی
گفته می‌شود بهتر آن است که با آب و نمک پخته شود،
ولی بهتر بودن این کار معلوم نیست. 326

امام صادق(ع) می‌فرمایند:

[سلامتی] هر فرزندی در گرو عقیقه است. 327.

و . شیر دادن

1. برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر اوست ...

328.

2. نهایت شیر دادن دو سال کامل است. و جایز است تا

سه ماه کمتر از این مدت، آن را کاهش داد، یعنی در

بیست و یک ماهگی کودک را از شیر گرفت، ولی در

صورت امکان و عدم ضرورت، کمتر از این مدت جایز

نیست. 329.

نکته

اُمّ اسحاق می‌گوید: مشغول شیر دادن یکی از دو پسر

مجد و اسحاق بودم. امام صادق(ع) به من فرمودند: ای

اُمّ اسحاق! او را از یک پستان شیر نده، بلکه از هر دو

پستان شیر بده، زیرا یکی از آن دو پستان غذا و دیگری

آب است. 330.

ز. نگهداری و تعلیم و تربیت (حضانت)

1. مادر برای نگهداری و تربیت فرزند و آنچه مربوط به این دو می‌شود، مانند مصلحت نگهداری او در ایام شیرخوارگی یعنی دو سال سزاوارتر است، در صورتی که مادر آزاد، مسلمان و عاقل باشد، خواه فرزند پسر باشد یا دختر، خواه مادر - خودش - وی را شیر داده باشد یا دیگری. پس جایز نیست پدر در این مدت، فرزند را از مادر جدا کند و بگیرد اگر چه - بنا بر احتیاط - مادر، او را از شیر گرفته باشد. و هنگامی که مدت شیرخوارگی پایان یافت، پدر نسبت به پسر، و مادر نسبت به دختر سزاوارتر است تا اینکه دختر به 7 سالگی برسد که در این صورت پدر برای نگهداری و تربیت دختر شایسته‌تر است. و چنانچه مادر پیش از 7 سالگی دختر به وسیله فسخ یا طلاق از پدر جدا شود، تا زمانی که با دیگری ازدواج نکرده است حقش از بین نمی‌رود. بنابراین اگر مادر ازدواج کند حق نگهداری و تربیت وی از پسر و دختر ساقط می‌شود و برای پدر باقی می‌ماند. و در صورتی که مادر از شوهر دوم جدا شود، بعید نیست که دوباره حق حضانت مادر

برگردد. و اَحَوَط در این مورد مصالحه و توافق از راه

مسالمت‌آمیز است. 331

2. اگر پدر پس از انتقال حضانت به او یا پیش از آن بمیرد،

مادر برای حضانت فرزند - چه پسر و چه دختر - هر چند

با دیگری ازدواج کرده باشد از وصی پدر و همچنین سایر

خویشان پدر حتی پدر پدر و مادر پدر - تا چه رسد به

دیگران - سزاوارتر است. همان‌گونه که اگر مادر در زمانی

که مسؤول حضانت فرزند است بمیرد، پدر از دیگران

سزاوارتر است ... 332.

3. برای ولیّ جایز است بچه را به شخص درستکاری

دهد که صنعت یا خواندن یا خط و نوشتن یا حساب و

علوم عربی و غیر اینها از علومی را که برای دین و دنیای

او سودمند است به او بیاموزد. و بر ولیّ لازم است بچه

را از فساد اخلاقی حفظ کند، تا چه رسد از چیزی که

برای عقاید او زیان داشته باشد. 333

4. واجب است بر ولیّ که کودکانش را از هر چیزی که

برای آنان و یا دیگران زیان دارد، و همچنین از هر چیزی

که یقین دارد شارع مقدس به خاطر فساد در آن، نبودش

را در اجتماع خواسته است مانند غیبت باز دارد. 334

5. جلوگیری بچه از مَسّ خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مَسّ نمودن او بی‌احترامی به قرآن باشد، باید او را از این کار باز دارند. 335

6. کودکان به ده سالگی که می‌رسند در بستر خواب از یکدیگر جدا شوند، و در روایتی وارد شده است که این کار در شش سالگی انجام گیرد. 336

یادسپاری

اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند، ولیّ او باید اعلان نماید. 337.

استفتا

تنبيه فرزند

آیا جایز است پدر و مادر، فرزندشان را بدون دلیل و از روی عصبانیت و بی‌حوصلگی کتک بزنند یا حق الناس بر گردنشان است؟

باسمه تعالی؛ جایز نیست، ولی برای تأدیب در حد متعارف که موجب سرخی و سیاهی و کبودی نشود جایز است.

اگر خاله، دایی، عمو، عمه، خواهر و برادر چنین کاری را انجام دهند، آن وقت چه صورتی دارد؟
باسمه تعالی؛ جایز نیست. 338

نکته

دیه سیلی زدن به گونه‌ای که صورت سیاه شود، ولی مجروح یا شکسته نشود 6 دینار 339؛ و اگر سبز (کبود) شود اما سیاه نگردد 3 دینار؛ و اگر سرخ شود 1/5 دینار است. و دیه کتک زدن به جاهای دیگر بدن نصف دیه‌های پیشین است. پس چنانچه بدن سیاه شود 3 دینار؛ و اگر سبز (کبود) گردد 1/5 دینار؛ و در صورتی که سرخ شود 34 (سه چهارم) دینار است. و در این دیه بین مرد و زن و کوچک و بزرگ تفاوتی نیست ... 340.

ح. احکام صغیر و فرزندان خردسال

1. صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده و از نظر شرع (در تصرفات مالی) محجور و ممنوع است؛ یعنی تصرفات صغیر در اموال خودش به وسیله فروختن، صلح کردن، هدیه کردن، قرض دادن، اجازه دادن، ودیعه دادن، عاریه دادن و جز آن نافذ نیست، مگر در موارد استثنایی مانند وصیت طبق آنچه گفته خواهد شد، و فروش چیزهای کم ارزش و غیر مهم، به همان گونه‌ای که گذشت اگر چه صغیر در نهایت تمیز و رشد بوده و تصرفش نیز در نهایت منفعت و صلاح باشد. بلکه در صحت تصرفاتش اجازه دادن ولیّ او در گذشته و یا آینده نزد مشهور فقها فایده‌ای ندارد و اقوا نیز همین است.
2. در برطرف شدن حَجَر و ممنوعیت از بچه رسیدن به بلوغ کافی نیست؛ بلکه باید با بلوغ، رشد هم پیدا کرده و نیز سفاقت به معنایی که خواهیم گفت نداشته باشد³⁴¹.
3. ولایت تصرف در مال کودک و توجه به مصالح و شؤون او بر عهده پدر و جدّ پدری کودک، و در صورت نبودن آنان، برعهده قَیم تعیین شده از سوی پدر و یا جدّ پدری است. و قَیم کسی است که یکی از پدر و یا جدّ پدری کودک وصیت

کند که آن‌کس ناظر بر امور کودک باشد. و در صورت نبودن قیّم، حاکم شرع، و در صورت نبودن حاکم شرع، افراد باایمانی که بنابر احتیاط دارای عدالت نیز هستند بر کودک ولایت دارند. پس مادر و جدّ مادری و برادر تا چه رسد به سایر نزدیکان، بر کودک ولایت ندارند³⁴².

4. فروختن زمینهای بچه در صورت نیاز و به مقتضای مصلحت، برای ولیّ او جایز است. پس چنانچه فروشنده، پدر و جدّ بچه باشد، برای حاکم جایز است که آن معامله را تثبیت کند، اگر چه برای خود حاکم ثابت نباشد که این معامله طبق مصلحت بوده است. ولی چنانچه فروشنده غیر از پدر و جدّ باشد مانند وصی، احتیاطاً حاکم نباید آن معامله را تثبیت کند، مگر اینکه مصلحت آن برایش ثابت باشد، اگر چه اقرب³⁴³ این است در صورتی که وثاقت³⁴⁴ وصی برایش ثابت باشد تثبیت آن برای حاکم جایز است³⁴⁵.

5. مضاربه با مال کودک و سرمایه‌گذاری با آن به شرطی که عامل و طرف مضاربه شخصی ثقه و امین³⁴⁶ باشد، برای ولیّ جایز است. پس اگر ولیّ، مال کودک را به غیر چنین شخصی بدهد [و تلف شود] ضامن خواهد بود.³⁴⁷

6. ولیّ باید با میانه‌روی - نه زیاده‌روی و سخت‌گیری - برای بچه‌هزینه کند. و باید عادت بچه‌ونظایر او را در نظر بگیرد. از این رو باید خوراك و پوشاکی که مناسب با شأن بچه است، برای او فراهم کند. 348
7. برای ولیّ یتیم جایز است به طور جداگانه خوراك و پوشاك او را از مالش بدهد. و جایز است او را با خانواده خودش در نظر بگیرد و مانند یکی از آنان بشمرد. پس مصارف خوردنی و آشامیدنی را سرانه تقسیم می‌کند و مصارف پوشیدنی را جداگانه به شمار می‌آورد، و همچنین است برای یتیمانی که متعددند. بنابراین برای مُتَوَلّی جایز است هزینه آنان را جداگانه و یا با مخلوط کردن مصارف خوردنی و آشامیدنی - نه پوشیدنی - در نظر بگیرد. 349

استفتا

حفظ اموال فرزند

فرزندانی که قبل از بلوغ شاگردی می‌کنند و مزدشان بیش از خرجشان است، آیا پدرانشان باید مقدار بیشتر را حفظ کنند و بعد از بلوغ تحویلشان دهند یا نه؟
باسمه تعالی؛ واجب است حفظ و رد در حال بلوغ. 350.

چهار. حقوق پدر و مادر و وظایف فرزندان

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا.
آدمی را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. 351.

برخی از حقوق پدر و مادر و وظایف فرزند عبارتند از:

حدود اطاعت از پدر و مادر

01 . اطاعت پدر و مادر تا چه حد بر فرزند لازم است، و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟
باسمه تعالی؛ در اموری که انجام آن موجب ناراحتی آنهاست، از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادرو اجداد نیست. 352.

ولایت پدر

02 . ولایت مرد در خانواده از نظر شرع مقدس چه

چیزهایی است؟

باسمه تعالی؛ ولایت پدر بر اولادش می‌باشد تا حد بلوغ

و رشد، و در ازدواج دختر باکره، اجازه پدر معتبر

است. 353

3. سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است، و

انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه را هم

بگیرد. 354

4. روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد

شود جایز نیست، بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود، ولی

او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند، احتیاط

واجب آن است که روزه نگیرد. 355

5. اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز

پدر، او را نهی کند، باید افطار نماید. 356

6. اگر فرزند بدون اجازه پدر قسم بخورد، قسم او بعید

نیست صحیح باشد، لکن نباید احتیاط را ترك کنند. 357

7. اگر پدر از قسم خوردن فرزند جلوگیری کند، قسم او

صحیح نیست. 358

8. هرگاه فرزندی نذری کند - اگر چه بدون اجازه پدر هم باشد - باید به آن نذر عمل نماید. 359
9. بنابر احتیاط هنگامی که پدر در کنار همسرش است، فرزند نباید بر پدر وارد شود، مگر اینکه اجازه بگیرد. 360

لزوم احترام به پدر و مادر

010 . این جانب پدری دارم که خوش اخلاق نیست و مغرور و خودپرور می باشد، در حق خانواده خود ظلم روا می دارد و من از وقتی که به تکلیف رسیده ام در حال مبارزه با پدرم هستم، اگر جوابش را همان موقع در حضور دیگران بدهم که کار نادرست و ناشایست انجام داده ام، و اگر تنها با پدرم صحبت نمایم حرفم را قبول نمی کند و می گوید در مقابل پدرت درشتی نکن، خلاصه نمی دانم چه کنم؟ آیا شما صلاح می دانید که من این صحبتها را بنمایم یا نه؟

باسمه تعالی؛ حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است، و در موارد لزوم امر به معروف و نهی از منکر، اگر مایوس از تأثیر باشید تکلیف ساقط است. 361

انجام مستحبات و آزرده نشدن پدر و مادر

011 . آیا برای فرزند (دختر یا پسر) در انجام مستحبات و شرکت در مراسم و شعائر اسلامی رضایت والدین شرط است؟

باسمه تعالی؛ رضایت والدین در امور مذکور لازم نیست، ولی نباید موجب اذیت آنها شوند. 362

پاسدار شدن دختران

012 . دختری هستم که علاقه دارم به خاطر خدمت به انقلاب در سپاه پاسداران وارد شوم ولی پدرم موافقت نمی‌کند، خواهش‌مندم حکم شرعی را بیان فرمایید؟
باسمه تعالی؛ پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظایف شرعیه مانع ندارد، ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید. 363

رفتن دختران به مسجد

013 . دختر جوانی هستم که همسایه مسجد می‌باشم، با توجه به مسأله 894 رساله و با توجه به

رهنمودهایی که در مورد حفظ مساجد فرموده‌اید، خواهشمند است بفرمایید که تا چه حد، رفتن يك دختر به مسجد جایز است؟
باسمه تعالی؛ حدی ندارد و با رضایت ولیّ خود عمل کنید. 364

ارتباط با پدر و مادر مخالف اسلام و انقلاب

014 . اگر پدر یا مادر نسبت به اسلام و مقدسات آن مخالف باشند، ارتباط فرزند با آنها باید چگونه باشد؟
باسمه تعالی؛ قطع رَجِم 365 نکنند و با احترام در ارشاد و راهنمایی آنان کوشش نمایند. 366

015 . فرزند پدری هستم که هیچ‌گونه اعتقادی به خدا و پیغمبر و معاد ندارد و مسلماً نماز هم نمی‌خواند، بلکه در مواردی توهین به آستان قدس خدا و پیامبر می‌کند و با انقلاب فوق‌العاده بد است. اخلاق خانوادگی او - به خاطر اینکه مادرم و خواهرم و برادرانم همه معتقد به مبانی مذهبی هستند - فوق‌العاده تند و به دور از عواطف پدری است. من تا آنجا که توانستم با محبت و رفتار ملایم با پدرم صحبت کرده و او را از روشی که در مقابل خدا و

پیامبر و در مقابل خانواده پیش گرفته است، نهی کرده‌ام، اما محبت و طبع ملایم هم در او کارگر نیست و اکنون وضع خانواده آشفته و هر روز دعوا و ناسزاگویی از طرف پدرم در خانواده شدیدتر شده و من هم با پدرم دعوا کرده و از او قهر نموده‌ام. البته متذکر می‌شوم که من ازدواج کرده و در منزل همسرم زندگی می‌کنم و شوهرم گفته است که راضی نیستم دیگر به خانه پدر و مادرت بروی. حال از امام عزیز می‌خواهم تکلیف این جانب را نسبت به پدرم که کافر به همه چیز است روشن کند؟

باسمه تعالی؛ از قطع رحم اجتناب کنید و حتی المقدور در هدایت او کوشش نمایید. 367

016 . آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضدانقلابند از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

باسمه تعالی؛ قطع رحم جایز نیست، ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایید. 368

017 . اگر ارحام انسان مرتکب فسق علنی شوند به طوری که معاشرت با آنها انسان را نیز در معرض گناه قرار دهد، آیا باز هم معاشرت با آنان واجب است؟

باسمه تعالی؛ باید سعی کند در گناه واقع نشود، بلکه آنان را ارشاد نماید. 369

نکته

امام باقر(ع) می‌فرمایند که پیامبر خدا 6 فرمودند:
خیری که بسیار زود ثواب داده می‌شود صله رحم
است. 370.

پاورقی :

290. توضیح المسائل، م 2412.
291. توضیح المسائل، م 2413.
292. توضیح المسائل، م 2414.
293. توضیح المسائل، م 2415.
294. توضیح المسائل، م 2416.
295. توضیح المسائل، م 2417.
296. توضیح المسائل، م 2418.
297. تحریر الوسیل، ج 2، ص 303، پیش از مسأله 1.
298. توضیح المسائل، م 1740.

299. توضیح المسائل، م 2644 و 2645.
300. توضیح المسائل، م 2672.
301. توضیح المسائل، م 2673.
302. توضیح المسائل، م 2451.
303. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
304. نزدیکان و خویشان و کسانی که در ردیف او هستند.
305. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
306. انتخاب وطن.
307. استفتا.
308. بهره‌مندی‌های جنسی.
309. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
310. تحریر الوسیل، ج 2، ص 305، پس از مسأله 1.
- 311- مچن توضیح المسائل، پس از مسأله بیبی.
312. استفتات، ج 1، ص 486، س 14.
313. استفتات، ج 1، ص 486، س 15.
314. تحریر الوسیل، ج 2، ص 306، م 2.
315. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 2.
316. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 2.

317. وسائل الشیعی، ج 15، ص 123.
318. بحار الانوار، ج 104، ص 128 / عیون اخبار الرضا (ع).
319. فروع کافی، ج 6، ص 48.
320. وسائل الشیعی، ج 15، ص 124.
321. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 4.
322. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 5.
323. توضیح المسائل، م 2204.
324. تحریر الوسیل، ج 2، ص 310، م 3.
325. تحریر الوسیل، ج 2، ص 311، م 9.
326. تحریر الوسیل، ج 2، ص 311، م 10.
327. وسائل الشیعی، ج 15، ص 144.
328. توضیح المسائل، م 2487.
329. تحریر الوسیل، ج 2، ص 312، م 15.
330. وسائل الشیعی، ج 15، ص 176.
331. تحریر الوسیل، ج 2، ص 312، م 16.
332. تحریر الوسیل، ج 2، ص 313، م 17.
333. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 11.
334. العرو الوثقی، ج 1، ص 742، م 36.
335. توضیح المسائل، م 318.

336. العرو الوثقی، ج 2، ص 805، م 44.
337. توضیح المسائل، م 2571.
338. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
339. هر دینار يك مثقال طلا و هر مثقال طلا هجده نخود است.
340. تحریر الوسیل، ج 2، ص 595، م 4.
341. تحریر الوسیل، ج 2، ص 13، م 4.
342. تحریر الوسیل، ج 2، ص 13، م 5.
343. نزدیکتر به واقعیت این است.
344. مورد اطمینان و اعتماد بودن.
345. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 9.
346. مورد اعتماد و درستکار بودن.
347. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 10.
348. تحریر الوسیل، ج 2، ص 15، م 15.
349. تحریر الوسیل، ج 2، ص 14، م 12.
350. توضیح المسائل، بخش استفتائات، ص 433، س 92.
351. سوره احقاف (46): آیه 15.
352. توضیح المسائل، بخش استفتائات، ص 432، س

85.

353. دفتر امام خمینی: بخش استفتا.
354. توضیح المسائل، م 1295.
355. توضیح المسائل، م 1741.
356. توضیح المسائل، م 1742.
357. توضیح المسائل، م 2673.
358. توضیح المسائل، م 2672.
359. توضیح المسائل، م 2646.
360. العرو الوثقی، ج 2، ص 805، م 43.
361. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 20.
362. استفتا.
363. استفتاآت، ج 1، ص 503، س 37.
364. استفتاآت، ج 1، ص 275، س 470.
365. قطع ارتباط خانوادگی و خویشاوندی.
366. استفتا.
367. استفتاآت، ج 1، ص 489، س 21.
368. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 18.
369. استفتاآت، ج 1، ص 488، س 19.
370. وسائل الشیع، ج 15، ص 245.

